

کتاب دانیال — شماره شصت و نه

آشکار سازی چرخهٔ نسلی: چهار مکروه ادونتیسیم

Jeff Pippenger

2024-02-02

خدا هرگز تغییر نمی‌کند، و از این رو ادونتیسیم در نسل چهارم خود داوری می‌شود.

«او آن مردِ ملبس به کتان را که دواتِ کاتب بر پهلوی خود داشت ندا کرد؛ و خداوند بدو فرمود: از میان شهر، از میان اورشلیم، بگذر و بر پیشانی‌های مردانی که برای همهٔ رجاساتِ واقع شده در میان آن آه می‌کشند و ناله می‌کنند، علامتی بگذار. و به دیگران، در حالی که می‌شنیدم، گفت: در پی او از میان شهر بگذرید و بکشید؛ چشمتان ترحم نکند و شفقت نورزید: پیر و جوان را، هم دوشیزگان و هم کودکان خردسال و زنان را، بالکل هلاک سازید؛ اما به هیچ مردی که آن علامت بر اوست نزدیک مشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید. پس آنان از مشایخ کهنسالی که پیش خانه بودند آغاز کردند.»

«عیسی در شرف آن است که جایگاه رحمتِ قدسگاه آسمانی را ترک گوید تا جامه‌های انتقام را بر تن کند و خشم خود را در داوری‌ها بر کسانی فرو ریزد که به نوری که خدا به ایشان عطا کرده است پاسخ نداده‌اند. "چون حکم عمل بد به سرعت اجرا نمی‌شود، از این رو دل بنی‌آدم در ایشان کاملاً بر انجام بدی مصمم می‌گردد." به جای آنکه به سبب صبر و حلم درازمدتی که خداوند نسبت به ایشان به کار برده است نرم شوند، آنان که از خدا نمی‌ترسند و حقیقت را دوست نمی‌دارند، دل‌های خود را در راهِ شریrane خویش سخت‌تر می‌سازند. اما حتی برای حلم خدا نیز حد و مرزی هست، و بسیاری از این حدود فراتر می‌روند. آنان از مرزهای فیض گذشته‌اند، و از این رو خدا باید مداخله کند و حرمتِ خویش را اعاده نماید.»

«دربارهٔ اموریان خداوند گفت: "در نسل چهارم ایشان بار دیگر به اینجا بازخواهند گشت، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است." با آنکه این قوم به سبب بت‌پرستی و فساد خود زبانزد بود، هنوز جام گناه خویش را لبریز نکرده بود، و خدا فرمان هلاکت کامل آنان را صادر نمی‌کرد. مردم می‌بایست قدرت الهی را به گونه‌ای آشکار ببینند تا عذری برای ایشان باقی نماند. آفرینندهٔ مشفق مایل بود تا نسل چهارم بی‌عدالتی ایشان را متحمل شود. سپس، اگر هیچ تغییری به سوی بهتر شدن دیده نمی‌شد، داوری‌های او بر آنان فرود می‌آمد.»

«با دقتی خطاناپذیر، آن وجود نامتناهی هنوز با جمیع امت‌ها حسابی نگاه می‌دارد. تا هنگامی که رحمت او همراه با دعوت‌ها به توبه عرضه می‌شود، این حساب مفتوح خواهد ماند؛ اما چون ارقام به مقدار معینی برسد که خدا آن را مقرر فرموده است، خدمتِ غضبِ او آغاز می‌گردد. حساب بسته می‌شود. صبر الهی پایان می‌یابد. دیگر هیچ شفاعتِ رحمتی به سود ایشان در میان نخواهد بود.»

نبی نے زمانوں کے پار نگاہ کرتے ہوئے اس وقت کو اپنی رؤیا میں دیکھا تھا۔ اس دور کی قومیں بے مثال رحمتوں کی وارث رہی ہیں۔ آسمان کی برکات میں سے بہترین برکتیں انہیں عطا کی گئی ہیں، لیکن بڑھتا ہوا تکبر، لالچ، بت پرستی، خدا کی تحقیر، اور پست درجے کی ناشکری ان کے خلاف لکھی جا چکی ہے۔ وہ تیزی سے خدا کے ساتھ اپنا حساب بند کرنے کے قریب پہنچ رہی ہیں۔

«اما آنچه مرا به لرزه می‌اندازد این واقعیت است که آنان که از بزرگ‌ترین نور و امتیازات برخوردار بوده‌اند، به ناپاکی رایج آلوده شده‌اند. تحت تأثیر ناراستان پیرامون خود، بسیاری، حتی از میان آنان که مدعی حقیقت‌اند، سرد شده و زیر فشار جریان نیرومند شر از پا درآمده‌اند. تمسخر همگانی‌ای

که بر دینداری و قدوسیتِ راستین روا داشته می‌شود، سبب می‌گردد کسانی که پیوندی نزدیک با خدا ندارند، حرمتِ شریعتِ او را از دست بدهند. اگر آنان از نور پیروی می‌کردند و از دل مطیع حقیقت بودند، این شریعتِ مقدس، هنگامی که چنین خوار شمرده و کنار نهاده می‌شد، در نظرشان حتی گرانباتر می‌نمود. هرچه بی‌احترامی به شریعتِ خدا آشکارتر می‌شود، خطّ تمایز میان نگاه‌داران آن و جهان روشن‌تر می‌گردد. محبت نسبت به احکام الهی در یک گروه، به همان نسبت افزایش می‌یابد که اهانت به آنها در گروهی دیگر فزونی می‌گیرد.»

"بحران به سرعت در حال نزدیک شدن است. ارقام به شتاب فزاینده نشان می‌دهند که زمان بازدید خداوند نزدیکاً فرارسیده است. هرچند او به مجازات کردن بی‌میل است، باین‌حال مجازات خواهد کرد، و آن هم به زودی. آنان که در نور گام برمی‌دارند، نشانه‌های خطر در حال نزدیک شدن را خواهند دید؛ اما نباید در آرامش و با بی‌اعتنایی، در انتظار خاموش ویرانی بنشینند و خود را با این باور تسلی دهند که خدا در روز بازدید، قوم خود را محفوظ خواهد داشت. هرگز چنین نیست. آنان باید دریابند که وظیفهٔ ایشان است که با جدیت تمام برای نجات دیگران کار کنند و با ایمانی استوار برای یاری به خدا بنگرند. «دعای مؤثرِ شدیدِ مردِ عادل بسیار کارگر است.»

«خمیرمایهٔ دینداری قدرت خود را به کلی از دست نداده است. در زمانی که خطر و افسردگی کلیسا به اوج خود می‌رسد، آن گروه اندک که در نور ایستاده‌اند، برای رجاست‌هایی که در سرزمین به‌جا آورده می‌شود، آه و ناله خواهند کرد. اما به‌ویژه دعا‌های ایشان به‌خاطر کلیسا صعود خواهد کرد، زیرا اعضای آن به شیوهٔ جهان رفتار می‌کنند.»

«دعا‌های پرشور این اندک وفادار، بی‌ثمر نخواهد بود. هنگامی که خداوند به‌عنوان منتقم ظهور کند، همچنین به‌عنوان پاسدار همهٔ کسانی خواهد آمد که ایمان را در پاکی آن حفظ کرده‌اند و خویشان را از آلودگی جهان بی‌لکه نگاه داشته‌اند. در همین زمان است که خدا وعده داده است برگزیدگان خود را که شب و روز نزد او فریاد برمی‌آورند، هرچند مدتی در حق ایشان شکیبایی می‌ورزد، انتقام دهد.»

این فرمان است: «از میان شهر، از میان اورشلیم بگذر، و بر پیشانی‌های مردانی که برای همهٔ مکروهاتی که در میان آن به‌جا آورده می‌شود، آه می‌کشند و ناله می‌کنند، علامتی بگذار.» این آه‌کشان و ناله‌کنان، کلمات حیات را اعلام می‌کردند؛ توبیخ می‌نمودند، پند می‌دادند، و استدعا می‌کردند. برخی که خدا را بی‌حرمت ساخته بودند، توبه کردند و دل‌های خویش را در حضور او فروتن ساختند. اما جلال خداوند از اسرائیل departed شده بود؛ هرچند بسیاری هنوز به ظواهر دیانت ادامه می‌دادند، قدرت و حضور او مفقود بود.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۲۰۷-۲۱۰.

جس تمثیل عدالتِ الهی کی طرف سیسٹر وائٹ اس اقتباس میں اشارہ کر رہی ہیں، وہ وہ عدالت ہے جو شہر یروشلم پر نازل کی گئی، جو آخری ایام میں سیونتھ ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا ہے۔ یہ عدالت سنڈے لا کے وقت آخری طور پر مکمل ہو جاتی ہے، کیونکہ وہیں خدا کی مہر اور حیوان کا نشان ثبت کیے جاتے ہیں۔ حزقی ایل کے باب آٹھ میں چار بتدریج بڑھنے والی مکروہات کی نشان دہی کی گئی ہے۔ پہلی آیت اس امر پر زور دیتی ہے کہ اس رویا کو مہلتِ توبہ کے بند ہونے سے ذرا پہلے سمجھا جائے، کیونکہ اس میں چھٹے سال کے چھٹے مہینے کے پانچویں دن کی تعیین کی گئی ہے۔

حزقی ٹیل نیازی نہداشت آن نقطۂ ارجاع تاریخی را درج کند. او می‌توانست به سادگی بنویسد: «و واقع شد چون در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش روی من نشسته بودند، که دست یهوه خداوند در آنجا بر من فرود آمد.» این واقعیت که او اشاره به روز پیش از «666» را درج کرد، ارجاعی نبوتی برای شاگردان نبوت است. این اشاره، برای کسانی است که بر عدد نام وحش غلبه یافته‌اند و «666» را می‌شناسند؛ عنصری از مکاشفه عیسی مسیح است که اندکی پیش از بسته شدن مہلتِ آزمون گشوده می‌شود. آنان این را می‌دانند، زیرا ایشان قوم خدا هستند؛ همانان که بنا بر گفته

پطرس، «در زمان گذشته قوم خدا نبودند.»

در باب دوم اول پطرس، مردمی که اکنون قوم خدا هستند، «چشیده‌اند که خداوند مهربان است». آنان کسانی‌اند که به‌گونه‌ای نبوی کلام خدا را «خورده‌اند»، در مقابل کسانی که از خوردن کلام خدا سر باز زدند. همه انبیا از ایام آخر سخن می‌گویند، و در باب ششم یوحنا، عیسی این پیام را داد که شاگردان او باید گوشت او را بخورند و خون او را بنوشند. در آن باب، شاگردانی که از خوردن گوشت او و نوشیدن خون او امتناع کردند، این کار را در آیه شصت‌وشش انجام دادند.

از آن زمان بسیاری از شاگردان او بازگشتند و دیگر با او راه نرفتند. یوحنا ۶:۶۶.

حکیمانی که در ایام آخر گوشت مسیح را می‌خورند و خون او را می‌نوشند، درمی‌یابند که مسیح، به‌عنوان پلمونی، شمارنده شگفت‌انگیز است، و هنگامی که امضای او عرضه می‌شود، آن را باز می‌شناسند. عدد «665» در آیه افتتاحی حزقیال باب هشت، برای هر که بخواهد ببیند، در آنجا قرار دارد تا دست‌کم دو نکته مهم نبوی را مشخص سازد. نخست آن‌که این پیام باید چنین فهمیده شود که دوره‌ای از زمان پیش از قانون یکشنبه را در بر می‌گیرد. دوم آن‌که عدد «666» در یکی از تنها دو آیه در کتاب مکاشفه آمده است که با تصریح به این‌که «حکیمان» در ایام آخر خواهند فهمید، مقید شده است.

اینجا حکمت است. هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد؛ زیرا آن عدد انسانی است؛ و عددش ششصد و شصت و شش است. مکاشفه ۱۳:۱۸

«خردمندان»ی که افزایش معرفت را در ایام آخر، هنگامی که مکاشفه عیسی مسیح مهرگشایی می‌شود، درک می‌کنند، خواهند دانست که «666» نمادی مهم نبوی است، زیرا بر آن عدد غلبه یافته‌اند. از این‌رو، حزقیال در فصل هشتم شورشی فزاینده را معرفی می‌کند که با چهار رجاست رو به افزایش نمایش داده شده است. رجاست نهایی، ابلهان را چون کسانی معرفی می‌کند که در برابر خورشید سجده می‌برند، و بدین‌سان داوری اورشلیم (ادونتیسیم) را در ایام آخر نشان‌گذاری می‌کند. آن داوری در نسل چهارم واقع می‌شود. آن چهار رجاست، نمادهای چهار نسل ادونتیسیم لائودیکیه‌اند.

نسل اول در سال ۱۸۶۳ آغاز شد، با شورش بر ضد سوگند «هفت زمان» موسی. بیست و پنج سال بعد، شورش ۱۸۸۸ ظاهر شد. سی و یک سال بعد، شورش ۱۹۱۹ رخ داد که به‌وسیله کتاب W. W. «The Doctrine of Christ» Prescott، بازنمایی می‌شود. سی و هشت سال پس از آن، در ۱۹۵۷، شورشی که به‌وسیله کتاب «Doctrine» on Doctrine بازنمایی می‌شود، به وقوع پیوست. اکنون آغاز خواهیم کرد به نشان دادن این‌که چرا این چهار نشانه با آن چهار مکروه در حزقیال هشت هم‌راستا هستند.

در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای نمودار تازه‌ای را برای جایگزین ساختن آن دو نموداری معرفی کرد که تحقق فرمان باب دوم حقوق بودند: «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها واضح بساز.» نمودار ۱۸۶۳ «هفت زمان» را از تصویر نبوی حذف کرد، در حالی که این بخش بر آن دو نمودار مقدس، همراه با ۱۲۶۰، ۱۲۹۰ و ۱۳۳۵، وجود داشت. در حقوق، این فرمان مشخص می‌ساخت که آن لوح‌ها (به صیغه جمع) به گونه‌ای منتشر خواهند شد که «تا هر که آن را می‌خواند، بدود.» نمودار ۱۸۶۳ تا آن اندازه از مقصود دور بود که برای همراهی با آن، برگه‌ای توضیحی لازم می‌شد. ممکن نبود کسی به نمودار ۱۸۶۳ بنگرد و بدون یک برگه اضافی «بدود».

اور خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به‌روشنی نقش کن، تا هر که آن را بخواند، بدود. حقوق ۲:۲.

نمودار ۱۸۶۳ جعلی‌ای بود که برای پنهان ساختن حقیقت طراحی شد، درست همان‌گونه که ویلیام میلر در رؤیای خود دید. آن دو نمودار مقدس، نماد عهدی بودند که مسیح با مردمی بست که تازه جایگاه شاخ حقیقی پروتستان وحش زمین را اختیار کرده بودند. آن دو نمودار، نمادی از رابطه عهدی میان میلیری‌ها و مسیح بودند؛ همان که در سال ۱۸۴۴ ناگهان به معبد خود آمد، و چون آمد، به عنوان رسول عهد آمد. اسرائیل باستان، اسرائیل جدید را به تصویر می‌کشد، و هنگامی که مسیح اسرائیل باستان را از بندگی مصر بیرون آورد، آن عمل نمونه‌ای از زمانی بود که او می‌بایست اسرائیل جدید را از بندگی هزار و دویست و شصت ساله حاکمیت پاپی بیرون آورد. خواهر وایت بارها و بارها این دو تاریخ را به عنوان تاریخ‌های موازی تأیید می‌کند.

«بر ما نور انباشته اعصار گذشته می‌تابد. گزارش فراموش‌کاری اسرائیل برای روشن‌سازی ما محفوظ مانده است. در این عصر، خداوند دست خود را دراز کرده است تا برای خویش قومی را از هر امت و قبیله و زبان گرد آورد. در نهضت ظهور، او برای میراث خویش عمل کرده است، چنان‌که برای بنی‌اسرائیل عمل کرد آنگاه که ایشان را از مصر بیرون آورد. در ناامیدی بزرگ سال ۱۸۴۴، ایمان قوم او آزموده شد، همان‌گونه که ایمان عبرانیان نزد دریای سرخ آزموده گردید.»
شهادت‌ها، جلد ۸، صفحات ۱۱۵، ۱۱۶.

هنگامی که خداوند با اسرائیل باستان عهد بست، دو لوح عطا کرد تا رابطه عهد را نمایان سازند. هنگامی که خداوند با اسرائیل جدید عهد بست، دو لوح عطا کرد تا رابطه عهد را نمایان سازند. دو لوح ده فرمان، ممثل دو لوح حقوق‌اند. این دو لوح را اندکی پس از عبور از دریای سرخ به ایشان داد، واقعه‌ای که خواهر وایت آن را با ناامیدی بزرگ سال ۱۸۴۴ هم‌سو می‌داند. اندکی پس از ۱۸۴۴، از منظر تاریخ نبوی، خداوند لوح دوم را پدید آورد. اسرائیل باستان امینان شریعت خدا گردانیده شد، و اسرائیل جدید امینان نه تنها شریعت خدا، بلکه نیز آن حقایق عظیم نبوی گردانیده شد.

خدا کلیسای خود را در این روزگار فراخوانده است، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، تا چون نوری در زمین بایستد. او به وسیله ساطور نیرومند حقیقت، به واسطه پیام‌های فرشته اول و دوم و سوم، ایشان را از کلیساها و از جهان جدا ساخته است تا آنان را به تقربی مقدس به خویشتن درآورد. آنان را امینان شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت را برای این زمان به ایشان سپرده است. همانند کلام‌های مقدسی که به اسرائیل باستان سپرده شده بود، این‌ها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ص. ۴۵۵.

دو فرمان نخست، نفرت خدا را از بت‌پرستی آشکار می‌سازند، و او در همان دو فرمان نخست اعلام می‌کند که داوری تا نسل سوم و چهارم جاری می‌شود، زیرا تصریح می‌فرماید که او خدایی غیور است.

«شریعت در این زمان منحصرراً برای منفعت عبرانیان بیان نشد. خدا با این‌که آنان را نگاهبانان و حافظان شریعت خویش قرار داد، ایشان را گرامی داشت، اما این شریعت می‌بایست به عنوان امانتی مقدس برای تمامی جهان نگاه داشته شود. احکام ده‌گانه برای تمام نوع بشر مناسب‌اند، و برای تعلیم و حکومت همه داده شدند. ده حکم، کوتاه، جامع و مقتدر، وظیفه انسان را نسبت به خدا و نسبت به همنوع خود دربر می‌گیرند؛ و همه بر آن اصل بنیادین و عظیم محبت استوارند. "خداوند، خدای خود را با تمامی دل خود، و با تمامی جان خود، و با تمامی قوت خود، و با تمامی فکر خود محبت نما؛ و همسایه خود را همچون خویشتن." لوقا ۱۰:۲۷. نیز بنگرید به تثنیه ۶:۴، ۵؛ لاویان ۱۹:۱۸. در ده فرمان، این اصول به تفصیل بیان شده‌اند و با وضع و شرایط انسان قابل انطباق گردیده‌اند.

«تو را غیر از من خدایان دیگر نباشد.»

«یَهُوَه، آن وجود جاودانی، قائم به ذات و غیرمخلوق، که خود منشأ و نگاهدارنده همه هستی است، تنها او شایسته حرمت و پرستش اعلی است. انسان از آن منع شده است که به هیچ موضوع دیگری در محبت های خویش یا در خدمت خود مقام نخست را بدهد. هر آنچه را که گرامی می داریم و مایه کاهش محبت ما به خدا یا موجب اخلال در خدمتی که بدو تعلق دارد گردد، همان را برای خود خدا ساخته ایم.»

«تو برای خود هیچ تمثال تراشیده، یا هیچ صورت چیزی را که در آسمان بالا است، یا آنچه در زمین پایین است، یا آنچه در آب های زیر زمین است، مساز؛ نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما.»

«دومین حکم، پرستش خدای حقیقی را به وسیله تصاویر یا تمثیل منع می کند. بسیاری از امت های بت پرست ادعا می کردند که تصاویر ایشان صرفاً اشکال یا نمادهایی هستند که الوهیت به واسطه آنها پرستیده می شود، اما خدا اعلام کرده است که چنین پرستشی گناه است. کوشش برای بازنمایی آن وجود ازلی به وسیله اشیای مادی، تصور انسان را از خدا تنزل می دهد. ذهن، که از کمال نامتناهی یهوه روی گردان شده است، به جای خالق، به سوی مخلوق جذب خواهد شد. و همان گونه که تصورات او از خدا تنزل می یافت، انسان نیز فاسد و خوار می گشت.»

«من یهوه، خدای تو، خدای غیور هستم.» رابطه نزدیک و مقدس خدا با قوم خویش تحت تمثیل ازدواج به تصویر کشیده شده است. از آنجا که بت پرستی زنای روحانی است، ناخشنودی خدا از آن به درستی غیرت نامیده می شود.» مشایخ و انبیا، ۳۰۵، ۳۰۶.

غیرت خدا خاص طور پر بت پرستی کے خلاف ظاہر ہوتی ہے، اور یہ محض اتفاق نہیں کہ حزقی ایل کے باب آٹھ میں پہلی مکروہ چیز "غیرت کی مورت" ہے۔

و در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا در حضورم نشسته بودند، واقع شد که در آنجا دست خداوند یهوه بر من فرود آمد. آنگاه نگریستم، و اینک هیأتی چون منظر آتش: از منظر کمرگاهش به پایین، آتش؛ و از کمرگاهش به بالا، همچون منظر درخشندگی، مانند رنگ کهربا. و صورت دستی را دراز کرد و مرا از زلفی از سرم گرفت؛ و روح مرا در میان زمین و آسمان بلند کرد و در رؤیاهای خدا به اورشلیم آورد، به مدخل دروازه داخلی که رو به شمال داشت؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود، که غیرت را برمی انگیخت. و اینک جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، بر وفق رؤیایی که در هامون دیده بودم. پس به من گفت: ای پسر انسان، اکنون چشمان خود را به سوی شمال بردار. و من چشمان خود را به سوی شمال برداشتم، و اینک در جانب شمال، نزد دروازه مذبح، این تمثال غیرت در مدخل بود. حزقیال 5-8:1.

تصویر غیرت ان چار بڑھتی ہوئی مکروہات میں پہلی ہے جو حزقی ایل کو دکھائی گئیں۔ تصویر غیرت، ایڈونٹ ازم میں بڑھتی ہوئی سرکشی کی چار نسلوں میں سے پہلی نسل کے آغاز کی نمائندگی کرتی ہے۔ پہلی نسل 1863 میں شروع ہوئی۔

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«هر یک از انبیای باستان، کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما؛ از این رو نبوت ایشان برای ما نافذ و معتبر است.» و جمیع این امور به جهت عبرت بر ایشان واقع شد، و برای تنبیه ما مکتوب گردید؛ ما که اواخر عالم بر ما رسیده است. "1 Corinthians 10:11" و بر ایشان مکشوف شد که نه برای خود، بلکه برای ما خدمت می کردند در اموری که الحال به شما خبر داده شده است به وسیله آنان که به روح القدس فرستاده شده از آسمان، انجیل را به شما بشارت دادند؛ اموری که فرشتگان آرزومند نگریستن به آنها هستند. "1 Peter 1:12....»

«کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر گرد آورده و با یکدیگر پیوند داده است.
تمامی رویدادهای عظیم و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این ایام آخر در کلیسا تکرار شده‌اند و
می‌شوند.» Selected Messages, book 3, 338, 339